

بسم تعالی

به سوی دانشگاه نسل سوم

عوامل پیش برنده دانشگاه ها برای حرکت به سمت دانشگاه نسل سوم

۱. دانشگاه های برتر که میخواهند تحقیقات علمی پیشرفته را ادامه دهند، به دنبال جایگزینی برای دولت ها، که توان حمایت از هزینه تحقیقاتی با بودجه های بالا را ندارند، هستند و در نتیجه، به دنبال همکاری با شرکت های فن آوری محور برجسته در سراسر جهان می باشند.
۲. شرکت ها از انجام تحقیقات بنیادی خودداری کرده و در عوض به دنبال همکاری با دانشگاه های با استاندارد بالا برای همکاری در پروژه های تحقیقاتی اولیه خود می باشند که از اهمیت حیاتی برای حفظ قدرت رقابتی آینده شان برخوردار است.
۳. فرایند جهانی شدن که پشت دروازه دانشگاه ها متوقف نمی شود:
 - خارج شدن دانشگاه ها از حالت بومی، توسعه فرصت های تحصیل در خارج از کشور و رقابت دانشگاه ها برای جذب بهترین دانشجویان.
 - دانشمندان و محققانی که به دنبال بهترین فرصت های شغلی در بازار آکادمیک جهانی می باشند و دانشگاه های برتر که یک بازار جهانی برای کارکنان دانشگاهی خود ایجاد می کنند.
 - پیشرفت چشمگیر ابزار ارتباطات و هزینه کم مسافرت های بین المللی که شرکت های فنی را قادر می سازد تا به یک بازار جهانی برای پرورش فعالیت های تحقیقاتی، به ویژه فعالیت های مربوط به تحقیقات بنیادی، پاسخ دهند.



۴. دولت ها خواهان این هستند که دانشگاه ها نقش مهمی در بهره برداری از دانش خود داشته باشند و از چنین فعالیت هایی حمایت مالی نیز می نمایند. به این ترتیب، دانشگاه ها به ابزاری صریح برای توسعه اقتصادی در اقتصاد دانش بنیان تبدیل شده اند. دانشگاه های نسل سوم به طور جدی به بهره برداری و تجاری سازی دانشی که تولید کرده اند می پردازند و هدف سومشان از اهمیتی یکسانی با دو هدف آموزشی و تحقیقاتی شان برخوردار است.
۵. امروزه اکثریت دانشمندان در تیم های بین رشته ای که در زمینه های پژوهشی خاص تمرکز می کنند کار می کنند که این مسئله نیاز به تشکیل فرم های سازمانی جدیدی در مدیریت دانشگاه را پر رنگ می نماید تا در زمان افزایش اندازه و پیچیدگی ها، موثر باقی بماند و مسئولیت بار چگونگی بهره برداری را عهده دار شود.
۶. برای واکنش به افزایش عظیم تعداد دانشجویانی است که در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و به افزایش هزینه های دولت و کنترل سخت آن منجر شد. این مسئله دانشگاه ها را بوروکراتیک ساخت و آنها مجبور بودند راه های جدیدی برای تأمین مدیریت موثر پیدا کنند.

افزایش تعداد دانشجویان منجر به آموزش جامع شد که عنصر علمی را در آموزش علمی رقیق می کند. دانشگاه ها اکنون با برگزاری دوره های ویژه برای بهترین و درخشان ترین دانشجویان و کارکنان سعی در رساندن آموزش علمی به آرمان های رنسانس و روشنگری هستند.

۷. عامل خلق و ایجاد است، که توسط ادارات دولتی برای موسسات تحقیقاتی اختصاصی خود راه اندازی شد و "راه سوم" تحقیق و توسعه است که بین تحقیقات علمی و صنعتی قرار می گیرد و با هردو ارتباط برقرار می کند. اگرچه این موسسات چالش هایی را برای پژوهش های علمی و صنعتی این موسسات بوجود می آورند، اما از آنجا که فعالیت های تحقیق و توسعه بسیاری را به دانشگاه ها و شرکت های صنعتی اختصاص می دهند، فرصت های بزرگی را نیز ایجاد می نمایند.

بطور خلاصه می توان گفت که دیدگاه های داخلی و خارجی دانشگاه ها و همچنین اهداف شان در حال تغییرات اساسی می باشد. اگرچه دانشگاه ها برای تطبیق با پیشرفت های جدید، دانشکده های جدید برای راه اندازی رشته های جدید تاسیس می نمایند، اما زمینه پیشرفت های جدید هنوز نیازمند یک دیدگاه جدید و یک پارادایم جدید برای دانشگاه ها می باشد و اضافه کردن بخشی برای انتقال فناوری و یا یک انکوباتور برای انتقال تکنولوژی کافی نیست. حرکت به سمت دانشگاه نسل سوم هم اجتناب ناپذیر و هم مطلوب است. این حرکت اجتناب ناپذیر است، زیرا روند هایی که مدل نسل دومی را از بین می برند نمی توان نادیده گرفت:

۱. فشار بر کیفیت آموزش علمی که نتیجه انباشت عظیم دانشجویان از دهه ۱۹۶۰ تا کنون می باشد
۲. عدم امکان اداره دانشگاه ها به روش سنتی به دلیل افزایش تعداد دانشجویان و در نتیجه وابستگی شدید و در هم آمیختگی قوی با ادارات دولتی
۳. فرآیند جهانی شدن، که بر دانشگاه تاثیر می گذارد و منجر به رقابت جهانی در سه حوزه دانشجویان، دانشگاهیان و قراردادهای تحقیقاتی می شود
۴. ظهور تحقیقات بین رشته ای و اصطکاک های حاصل از آن با سازمان دانشکده
۵. افزایش هزینه تحقیقات پیشرو
۶. چالش هایی که در نتیجه راه اندازی و استقرار موسسات عالی تحقیقاتی خارج از دانشگاه ایجاد می شوند
۷. دولت می خواهد که دانشگاه ها در رشد اقتصادی مبتنی بر فن آوری، در اقتصاد دانش بنیان، نقش بسزایی داشته باشند
۸. توسعه تحقیقات شرکتی که نتیجه آن ایجاد فرصت های جدید توسط همکاری با صنعت می باشد
۹. افزایش کارآفرینی دانشگاهی

اگرچه دانشگاه نسل دوم مزایای خود را دارد و ثروت بی سابقه ای را برای ما به ارمغان آورده است، اما این موضوع را با عنوان یک تابلو شفاف در تاریخ نباید فراموش کرد که حتی یک برنده جایزه نوبل هم باید برای دریافت بودجه کافی دائماً مبارزه می کرد. در عصر دانشگاه های نسل دوم، نقش دانشگاه ها به پژوهش و آموزش علمی محدود بود و عاقلانه بود که آنها را با کاربردهای آنچه که اختراع کرده بودند درگیر نکرد. این مسئله با اصطلاح "تخصص گرایی" در قرن نوزدهم عنوان شد: دانشگاه ها دانش اولیه را تولید می کنند، در حالیکه شرکت ها و موسسات کاربرد دانش تولید شده را به یک کاربرد علمی "ترجمه" می نمایند. این دیدگاه پاسخگوی نیازهای آن زمان بود، در حال حاضر، باید یک مدل جدید برای مقابله با روند های ذکر شده در بالا ارائه نمود. مدل دانشگاه های نسل سوم به دانشگاه اجازه می دهد که آزادی بیشتری برای انتخاب راه خود داشته باشد. همانطور که خواهیم دید، نه ویژگی اساسی وجود دارد که دانشگاه ها را در حرکت به سمت نسل سوم دچار چالش خواهد کرد:

۱. تحقیقات بنیادی فعالیت اصلی دانشگاه بوده و در آینده نیز خواهد بود.
۲. تحقیقات به طور عمده فرا رشته ای یا میان رشته ای هستند.

۳. دانشگاه های نسل سوم، دانشگاه های شبکه ای هستند که با صنعت، بخش تحقیق و توسعه خصوصی، سرمایه گذاران، ارائه دهندگان خدمات حرفه ای و سایر دانشگاه ها بصورت یک چرخ فلک دانش بنیان، همکاری می کنند.
۴. دانشگاه های نسل سوم در یک بازار بین المللی رقابتی فعالیت می کنند. آنها به طور فعال برای بهترین دانشگاهیان (کارکنان)، دانشجویان و قراردادهای تحقیقاتی از صنعت رقابت می کنند.
۵. دانشگاه های نسل سوم دانشگاه های دو طرفه هستند. در حالی که آنها نمی توانند به طور کلی از انباشت دانشجویان فرار کنند، آنها امکانات ویژه ای برای بهترین و درخشان ترین دانشجویان و دانشگاهیان ایجاد می کنند.
۶. دانشگاه های نسل سوم مجموعه ای از علوم و خلاقیت را به عنوان یک نیروی محرک، که از اهمیتی یکسان با روش علمی منطقی برخوردار است، در نظر می گیرند.
۷. دانشگاه های نسل سوم جهانی هستند: آنها در یک محیط بین المللی با طیف وسیعی از کارکنان و دانشجویان کار می کنند. در این رابطه، آنها نزدیک به دانشگاه های قرون وسطی هستند و آنها زبان انگلیسی را برای همه دوره ها استفاده می کنند.
۸. بهره برداری از دانش به سومین هدف دانشگاه تبدیل می شود، زیرا دانشگاه ها به عنوان مهد فعالیت های کارآفرینی جدید، علاوه بر وظایف سنتی خویش یعنی تحقیق و آموزش، دیده می شود.
۹. دانشگاه های نسل سوم تأمین مالی خود را از طریق تأمین مالی خروجی به جای تأمین مالی ورودی، تأمین می نمایند. تأمین مالی ورودی مربوط به ایجاد ظرفیت است که سپس با یک سیستم بازرسی دولتی ترکیب می شود. تأمین مالی خروجی بدان معنی است که گرنت های تحقیقاتی به مزایده گذاشته می شوند، هر دانشگاه می تواند شرکت کند و تنها بهترین پیشنهادات برنده خواهد شد. دیگر تأمین مالی دولتی مستقیم وجود نخواهد داشت، اما وجوه دولتی از طریق مؤسسات مستقل تأمین می شود که هزینه تحقیقات و آموزش را بر اساس مناقصه تأمین می کنند.

آخرین مورد به این معنا نیست که دولت می تواند از حمایت دانشگاه دست بردارد. تحقیقات بنیادی سطح بالا تنها زمانی امکان پذیر است که دولت و صنعت در آن شرکت کنند. دانشگاه های نسل سوم شرکت های تجاری نیستند که در آن ها همه چیز در جهت به حداکثر رساندن سود کمک می کند. همچنین یک نوع دفتر مهندسی با برخی از امکانات آموزشی پیشرفته نیستند. در مقابل، دانشگاه به مأموریتش برای ایجاد دانش جدید و تبدیل آموزش به بخشی از فرایند تولید دانش ادامه می دهد. این مأموریتی است که باید در راستای دنیای امروز انجام شود. رسیدن به این هدف، همانطور که خواهیم دید، بسیار با ارزش بوده و دانشگاه های نسل سوم را به دانشگاه هایی آرمانی تبدیل می نماید.

نویسنده: J.G. Wissema

مترجم مقدمه: دکتر کوثر باقرزاده